

نقش هنر در آموزش دانش

آموزان

استاد هاشمی

کلاس های ۲۱-۲۲-۲۳

هنر یعنی وجود آدمی. چون هیچ فردی وجود ندارد که با هنر حتی مختصر آمیختگی نداشته باشد و آن را در حواشی زندگی اش ملاحظه ننماید. هنر شکوفایی و کمال استعداد های انسانی است، هنر به انسان آرامش می بخشد، روح کنجکاوی، تحقق و سازندگی را در او بیدار می سازد. فرآیند سازندگی، خلاقیت، تولید و آفرینندگی را در وی بوجود آورده، زندگی اش را قرین خوشبختی و سعادت می نماید، به طور کلی هنر در تمام ابعاد زندگی، مستقیم یا غیر مستقیم نقش دارد.

یکی از هنرها نقاشی است، فرآیند ترسیم (نقاشی) فرآیند پیچیده ای است که طی آن کودک اجزای گوناگونی از تجربه هایش را برای ساختن یک کل معنی دار مورد استفاده قرار می دهد. او در این فرآیند چیزی بیش از یک تصویر را ارائه می دهد، او بخشی از خود را به ما باز می نمایاند، اینکه چگونه فکر می کند، چگونه احساس می کند و چگونه می بیند.

نقاشی راهی است برای کمک کردن به کودک برای سازندگی بهتر با دنیای اطراف و تغییر در الگوهای رفتاری آنان می باشد. همچنین نقاشی در امر شناخت و درمان مشکلات کودکان سازش نیافته و کم توان ذهنی مناسب است. یکی از این مشکلات پرخاشگری است.

هنر درمانی

کودکان عقب مانده ذهنی گروهی از کودکان استثنایی هستند، کودکانی با اختلالات هیجانی و رفتاری. ویژگی های منحصر به فردی که این گونه کودکان ویژه دارند، به شیوه های متعددی از جمله رفتاری، هیجانی، تحصیلی نمایان می شوند. این کودکان مهارت های سازگاران و نیز سازش نیافته ای را مورد استفاده قرار می دهند.

چون این گروه از افراد نمایانگر گروهی از افراد بسیار متفاوت و چالش برانگیز هستند، بنابراین منطقی به نظر می رسد روش هایی که برای کمک به اینگونه افراد مورد استفاده قرار می گیرند نیز متنوع و ویژه باشند. یکی از رویکردهای درمانی که بطور فزآینده ای گسترش پیدا کرده، هنر درمانی است، بررسی ها نشان می دهد کاربرد هنر درمانی به عنوان یک الگوی درمانی بویژه گروه درمانی احتمالا می تواند به این کودکان کمک کند؛ تا به شیوه های مناسب خود را بیان کنند.

هنر درمانی به عنوان یک حرفه، اولین بار در آمریکا در نوشته مارگارت نامبورک (مادر هنر درمانی) تعریف شده است. وی پس از سالها تجربه به عنوان مسئول و آموزگار هنر در مدرسه والدن پی برد بیان آزاد هنر کودکان معرف نوعی کلام نمادین است و نتیجه گیری کرد که بیان خود انگیزه هنر می تواند اساس معالجه های روان درمانی باشد.

منظور از هنر درمانی، پرورش یک هنرمند نیست؛ بلکه ارائه یک فرصت به فرد است تا از راه وسایل گوناگون رنگها، خمیر مجسمه سازی و احساسات، عواطف، نیازها و حتی دانسته های خود را به نحوی که مایل است بیان کند.

یکی از ویژگی های مشترک میان بسیاری از کودکان کم توان ذهنی ، اختلال در توانمندی های ارتباطی است . به همین دلیل لینچ و چوسا بر اهمیت ادغام هنر درمانی در درمان های عادی به دلیل کارایی این روش به عنوان کاتالیزر یا جایگزینی برای گفت و گو درمانی تأکید نموده است .

هنر درمانی به اینگونه کودکان اجازه می دهد تا هیجان های خود را به وسیله یک واسطه بیان کنند که باعث افزایش سازگاری و عزت نفس آنها نیز می شود . این روش همچنین باعث افزایش قابل توجه سطح تحریک کسانی هم می شود که در اغلب موارد منزوی و بی انگیزه بوده اند ، ارزش درمانی روش هنر درمانی برای افراد مبتلا به ناتوانایی های شدید و پیچیده ، به آرامش و کنترل فشار روانی از راه هنر بستگی دارد .

کودکان با اختلال های هیجانی نیز ممکن است از روش هنر درمانی سود جویند ، اختلال هیجانی ممکن است شامل افسردگی دوران کودکی ، پرخاشگری ، اضطراب و پایین بودن عزت نفس باشد . تمام مسایل ممکن است که به احساس تنهایی در کودک منجر شوند . پوند در یک مطالعه ، دو کودک کلاس سومی (یک دختر و یک پسر) که در مدرسه دچار مشکل بودند را مورد بررسی قرار داد . کودکان در یک گروه هنر درمانی مهارت های اجتماعی درون نظام مدرسه مشغول شدند کودکان در گروه ، کارهایی را انجام می دادند که چگونگی درک آنان از روابط و همچنین احساسشان درباره روابط درون گروه را آشکار می ساخت . برای تشویق کودکان به بیان احساسات و بازنگری تعامل هایشان با دیگران از نقاشی استفاده شد .

نتایج گروه حاکی از پیشرفت توانایی های کودکان در ظاهر ساختن احساساتشان در مورد خود و دیگران بود .

هنلی هنر درمانی را برای درمان مشکلات رفتاری توصیه می کند . از راه ترسیم رفتار کودک قادر خواهد بود آن را به درستی بررسی کرده و سپس گزینه های دیگری در میان همسالان و مشاوران مورد بحث قرار گیرد . از این گذشته هنر درمانی به کودک اجازه می دهد تا رفتارهای منفی را به سوی یک تعادل مثبت هدایت کند .

به طور کلی هنر :

۱. باعث رشد مهارت های کودک برای ابراز عقاید و احساسات به دیگران می شود.
۲. می تواند فرصتی را برای کودک فراهم کند تا به وسیله آنچه که پدید می آورد به بیان خویشتن پردازد .
۳. از آنجا که هیچ درست و نادرستی درباره آنچه که پدید آمده وجود ندارد ، هنر می تواند برای فرد منشأ کسب موفقیت شود .

نقاشی و اهمیت آن در کودکان عقب مانده ذهنی :

نقاشی از موضوعاتی است که توجه بسیاری از روان شناسان و کسانی را که به نحوی با کودکان سرو کار دارند به خود جلب کرده است . نفوذ در ابعاد وجودی کودک از طریق نقاشی چند صباحی است که توسط متخصصان انجام می گردد . کودک در یک نقاشی

شخصیت خود را معرفی می کند و در واقع تمام وجود خویش را به روی صفحه سفید کاغذ می کشاند و به زبان نقاشی می گوید که «من این هستم» این جمله را افرادی که اهل فن هستند به خوبی خواهند فهمید که منظور از «من» و «هستم» در این نقاشی های کودکان چیست؟ عاطفه، تخیل، رشد ذهنی، رشد جسمی، اجتماعی و رفتاری کودک و هرآنچه که خواسته باشیم از کودک به دست آوریم می توانیم در نقاشی هایش جستجو کنیم.

نقاشی شرایطی را برای کودک فراهم می سازد تا بتواند ابراز وجود کند تا آنچه که در دل آشکار سازد و خواسته ها و آرزوهای خود را بیان کند. با ترسیم کودک احساس هویت و موجودیت خود را به دیگران نشان می دهد و بدینوسیله در محیط پیرامون خود کاوش کرده و من کودکانه اش را مطرح می سازد.

نقاشی نوعی ارتباط روحی است که کودک می تواند با دیگران برقرار کند، بدین ترتیب از نقاشی های کودک به روحیه، تمایلات و شخصیت او پی می برند و این آشنایی ها در هدایت وی مؤثر می باشد. کودک در هنگام کشیدن نقاشی افکار خود را با حرکات، نگاه، قهر و آشتی، بازی و جنجال، سر و صدا و سکوت، انزوا و پرخاشگری بیان می کند.

نقاشی می تواند برای کودک عقب مانده ذهنی مفید باشد و از لحاظ بالینی بهترین روش تشخیص عقب ماندگی ذهنی در کودکان توجه به نقاشی آنها می باشد، نقاشی از نظر بالینی ابزار مهمی برای شناسایی رشد عاطفی این کودکان است. نقاشی در شناخت قوه خلاقانه، مطالعه رفتار، بیان افکار و خواسته ها و تمایلات کودک اهمیت فراوان دارد. رنگ آمیزی و نقاشی، به منزله بهترین ابزار جهت ابراز علایق و عواطف کودک می باشد. کودک عقب مانده ذهنی می تواند احساسات و عواطف، تنفرت و یا علایق خود را در نقاشی نشان دهند.

از نقاشی می توان برای شناخت بهتر این کودکان نیز استفاده کرد. از طریق نقاشی، این کودکان می توانند حرفهایی را که نمی توانند به زبان بیاورند، با قلم و کاغذ بیان کنند. روان شناسان از سالیان گذشته بر این باور بوده اند که نقاشی کودک فرآورده ای ورای جنبه های شناختی و ادراکی _ حرکتی است و احساس ها و عواطف نیز در آفرینش آن دخالت دارند.

برای مثال، اندازه و موقعیت فضایی محتوای نقاشی تحت تأثیر احساسات و عواطف کودک قرار دارد. به نقل از برکیت و همکاران، در کنار اندازه و موقعیت فضایی، رنگ آمیزی و ترجیح رنگ نیز از احساسات کودکان و عواطف آنان تأثیر می پذیرد. برکیت و همکاران دریافته اند که کودکان در رنگ آمیزی موضوع هایی مانند آدم، درخت و سگ تفاوت قایل می شوند. کودکان آدم و سگ را جاندار پنداشته و در رنگ آمیزی آنها رنگ های مورد علاقه خود را برای آدمها و رنگ های کمتر مورد علاقه برای سگ و رنگهایی با کمترین میزان علاقه برای درخت به کار می برند.

از سوی دیگر، کودکان رنگهای مورد علاقه را برای آدمهایی که خوب نشان داده شده اند، استفاده می کنند و رنگهای با کمتر مورد علاقه را برای نقاشی هایی که فکر می کنند موضوع آنها بد هستند بکار می برند. همچنین کودکان رنگ های تیره (مانند مشکی و قهوه ای) را که کمترین میزان علاقه برخوردار بوده اند را برای موضوع های منفی استفاده می کردند.

بنابراین ، این یافته تأیید می کند که کودکان در نشان دادن احساسات منفی و عواطف خود از رنگ های تیره استفاده می کنند . این موضوع در تحلیل بالینی نقاشی کودکان اهمیت بسیار دارد .بریکت می گوید احتمالا دلیل انتخاب رنگهای تیره برای جنبه های منفی احساسات ، زیر تأثیر تلقین های فرهنگی ، رسانه ها و رنگ آمیزی کتاب هاست .

همچنین نقاشی بسیار سودمند است . اسکیف و هیوت دلیل عمده ارجاع کودکان به نقاشی گروهی را با شرح زیر بیان می کند :

۱. فرصت بودن در کنار یک گروه نزدیک با فرهنگ کودک باعث تجربه رشد هیجانی می شود ، بویژه کسانی که تجربه های خوبی در خانواده و یا کلاس درس نداشته اند .

۲. کودکانی که نسبت به بودن در کنار بزرگسالان رغبت نشان نمی دهند ، می توانند پس خوراند بیشتری از همسالان دریافت کنند .

۳. کودکانی که می ترسند احساسات خصمانه آنها غیر قابل قبول باشد ، در گروه نسبت به موقعیت های دو نفری جایگاه بهتری خواهند داشت .

نقاشی و رنگ آمیزی به کودک امکان می دهد که به شیوه ای مفید ، تخریبگر و سازنده نقاشی و رنگ آمیزی با انگشت (نقاشی انگشتی) برای کودک یک تجربه لمسی و جنبشی آرامشبخش و لذت آور نقاشی می باشد و او را ترغیب می کند که به صورت گسترده و با محدودیت کمتر به ابراز احساسات بپردازد .نقاشی انگشتی به کودک امکان می دهد با استفاده از رنگ تصویرهایی خلق کند و در صورت تمایل آنها را با رنگ بیشتر تغییر دهد ، بپوشاند و یا پاک کند . گاهی اوقات ، قبل از اینکه کودک نقاشی با قلم مو را آغاز کند، می تواند از نقاشی با انگشت بعنوان یک تمرین مقدماتی استفاده کرد . وسایلی چون نقاشی و رنگ آمیزی ، کودک را به آزمایش و بازی ترغیب می کند و به هنگام استفاده از آنها بخاطر داشته باشیم که کودکان از سطح مهارت متفاوتی برخوردارند که وابسته به سن و رشد آنهاست .مشاور باید از سطح مهارتی مناسب با رشد آگاهی داشته باشد ، به نحوی که عملکرد کودک را به غلط ، نابهنجار تعبیر نکندو هنگام استفاده درمانی از این وسیله حداکثر بهره را بدست آورد .

در همین زمینه ، ابتدا کودکان خردسالی را که کمتر از چهار سال دارند ، بررسی می کنیم . برای این کودکان خط خطی کردن و تجربه ی شیوه های جدید نقاشی کردن کاری بهنجار و مناسب است . آنها رنگ هایی را به کار می برند که مطابق با رنگ واقعی اشیاء نیست ، زیرا اغلب در پاسخ به احساسات هیجانی شان از رنگ استفاده می کنند . اگرچه مشاور نتواند معنی نقاشی یا خط خطی کردن های کودک را درک کند ، ولی کودک می داند که آنها چه چیزی را نشان می دهند . بچه های خوش صحبت معمولا هنگام نقاشی کردن ، می توانند درباره آنچه ترسیم می کنند ، صحبت کنند و گاهی نیز وقتی از آنان درمورد آنچه که ترسیم کرده اند سؤال می شود ، ممکن است معنی نقاشی را تغییر دهند . برای مثال ممکن است ابتدا آن را یک مرد بنامند ، سپس بگویند یک بچه است که دارد بازی می کند .

همزمان با رشد کودک بین سنین چهار تا شش سالگی اغلب کودکان نقاشی خود را چیز ارزشمندی می بینند که ساخته دست خودشان است و ممکن است بخواهند آنرا برای خود نگه دارند یا به کسی هدیه بدهند .

در سنین پنج تا هفت سالگی شکل‌های انسانی بصورت غیر انسانی ترسیم می شوند . برای مثال ممکن است کودک فردی را ترسیم کند که دارای دست‌های درازی است ، به نحوی که هیچ تناسبی با کل شکل ندارد . در هفت یا هشت سالگی ممکن است کودک تصویرهایی را در پایین کاغذ ترسیم نماید و چیزهای دیگری از قبیل پرندگان ، خورشید و توده‌های ابر را در اطراف آنها نقاشی کند . این سنین ، رنگ به طور واقع گرایانه ای بکار می رود . با وجود این ، چه بسا کودک تصویرهایی را مانند عکس‌های اشعه ایکس ترسیم کند . برای مثال برای ترسیم خانه اگر داخل و خارج خانه برایش مهم باشند ، دو قسمت را رسم می کنند و یا قسمت‌هایی از بدن که زیر لباس هستند یا اشخاصی که در پشت دیوار بوده و قابل مشاهده نیستند و به وضوح نشان داده می شوند .

از ۸ سالگی به بعد ، معنی نمادها پیچیده تر می شوند و نقاشی‌ها تفاوت‌های فردی کودکان در زمینه‌ی نیازها و مسایل را منعکس می سازند . در این سن گرایش به جزئیات الگوها کم کم آشکار می شود ، برای مثال دختران لباس‌ها را خیلی ماهرانه ترسیم می کنند و پسرها طرح‌های ماهرانه‌ای از موشک‌ها یا هواپیماها را می کشند .

در سنین ۹ تا ۱۱ سالگی ، کودکان اشیاء را آن طور که می بینند ترسیم می کنند و نقاشی‌ها واقعی تر بنظر می رسند . در اینجا لازم است یادآوری کنیم که نقاشی‌های کودکان کم توان ذهنی به علت ضعف آنها در توانایی‌های یادگیری ، استدلال ، حافظه و سازگاری با محیط ، با نقاشی کودکانی که از نظر سنی از آنان کوچکتر هستند ، برابر می باشد .

نقاشی بیش از اینکه در تشخیص اختلال‌های روحی بزرگسالان مفید می باشد ، در امر شناخت و درمان مشکل کودکان سازش نایافته و کم توان ذهنی مناسب است .

موریشیما مشاهده کرد که لذت درونی در انجام کارهای هنری برای این کودکان مهمتر از تقویت‌های بیرونی بود و این خود با نیازهای انگیزشی در جهان خصوصی کودک تکیه دارد .

گارتز و میلر در یک برنامه تجربی که برای ۸ کودک ۷ تا ۱۱ سال با دو خط پایه طراحی کردند ، به تحقیق در مورد این فرض پرداختند که فعالیت‌های هنری قادرند رشد آگاهی ادراکی و مهارت‌های دستی را افزایش دهند و می توانند راه مؤثری برای پیشرفت ادراک و فعالیت‌های حرکتی کودکان دارای ناتوانی یادگیری باشند . نتیجه برنامه شش هفته‌ای آنان که به وسیله آزمون فراستیک اندازه‌گیری شد ، تفاوت آماری معنی داری را نشان داد .

جین کاریگان پس از سفر به سوئیس و مشاهده برنامه‌های کارگاه‌های حمایتی آنان برای افراد کم توان در مقاله‌ای نوشت « در سوئیس به جای برنامه‌های تغییر رفتار برای افراد کم توان ذهنی از نقاشی درمانی استفاده می شود . زیرا نقاشی درمانی تنها فرصت‌هایی برای بیان خود پدید می آورد، بلکه فضایی برای مورد پذیرش قرار گرفتن و حمایت شدن به وجود می آورد که به رشد شناختی و افزایش خلاقیت آنان کمک کرده و عدم وابستگی را در آنها بیشتر می کند .

به علت تأثیر های زیان آور پر خاشگری بر فرآیند رشد کودکان ، پر خاشگری در دوره کودکی یکی از مشکلات سازگاری بوده که در دهه های گذشته در سطح وسیعی مورد مطالعه قرار گرفته است .

ریس گزارش کرده است که در یک نمونه ۲۰۵ نفری از افرادی در سطوح مختلف کم توان ذهنی ، پر خاشگری به عنوان عمده ترین مشکلات ۱۸ تا ۲۵ درصد افراد به شمار می رفت که یکی از موانع اساسی برای توانبخشی آنان بوده و سبب محدودیت در تعامل های اجتماعی آنها می شد . بنابراین ارائه راهبردها و برنامه های آموزشی و توانبخشی را ارتقاء می بخشد .

نوری در یک پژوهش تجربی که در مورد دو گروه ۳۰ نفری از دانش آموزان کم توان ذهنی دارای رفتارهای پر خاشگرانه انجام داد ، نقاشی درمانی را در طی ۱۲ جلسه در گروه آزمایشی به کار گرفت . بررسی های آماری به عمل آمده نشانگر تفاوت آماری معنا دار در کاهش میزان پر خاشگری دانش آموزان گروههای آزمایشی نسبت به گروه کنترل بود .

پر خاشگری و عوامل مؤثر بر آن :

اکثر افراد به شیوه ای سازمان یافته عمل می کنند ، اما تفاوت های گسترده ای در انواع سازمان دهی رفتاری در افراد وجود دارد بنظر می رسد که گروهی از مردم در اکثر اوقات به طور سازنده و کار آمد عمل می کنند . کوشش های سازگارانه آنان واقع بینانه ، از لحاظ اجتماعی بارور و از لحاظ شخصی ارضا کننده است ، در حالی که افراد دیگر فقط تا حدودی دارای شیوه های مؤثر در رویارویی با مسایل هستند و به جای صرف انرژی در حل فعالانه مشکل به استفاده از میکانیسم ها و رفتارهای دفاعی می پردازند . اختلال های رفتاری ، طبقه دیگری از رفتار کودکان و نوجوانانی که رفتارشان به این طریق طبقه بندی می شود ، از میزان شرارت و شیطنتی که ویژگی گروه سنی آنهاست پا را فراتر می گذارند و یا قوانین عمده اجتماعی را خدشه دار می کنند . گاهی بسیاری از کودکان و نوجوانان از نظر هیجانی نیز با مشکل روبه رو هستند و در معرض افسرده شدن قرار دارند .

این کودکان به بیش جنبشی ، تکانشی بودن ، پر خاشگری و اضطراب گرایش دارند . سازگاری با موقعیت ها و فعالیت های تازه برای آنها دشوار است . معمولاً گستره دقت آنان بسیار محدود است و به پاداش آنی نیازمند می باشند . پر خاشگری در تعلیم و تربیت از نظر سازگاری فردی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است .

وستا، هایت و میلر ، پر خاشگری را رفتاری می نامند که با قصد آسیب رساندن به شخص یا اموال اعمال می شود و از نظر اجتماعی نیز نامطلوب است . پر خاشگری در برگیرنده تظاهرات مختلفی مانند پر خاشگری کلامی ، تهدید ، درگیری های فیزیکی ، دزدی ، تجاوز و قتل است .

به نظر می رسد که برای توجیه رفتار پر خاشگرانه دو عامل انگیزه و تلاش برای ترساندن و آسیب رساندن به دیگران لازم و ملزوم یکدیگرند .

عوامل متعددی بر افزایش پرخاشگری مؤثراند: یکی از این عوامل تأثیر عوامل فرهنگی و خرده فرهنگی بر پرخاشگری است. یکی دیگر از منابع مؤثر الگوبرداری پرخاشگرانه برای کودکان، رفتارهای پرخاشگرانه ای که از تلویزیون پخش می شود.

الگوهای خانواده و روابط بین همسالان نیز در رشد پرخاشگری نقش کلیدی دارد. اکثر پژوهشگران بر این عقیده اند که ترد همسالان با افزایش پرخاشگری رابطه مثبتی دارد و همچنین باعث کاهش مهارت های اجتماعی و تحصیلی در سال های اول دبستان می شود.

روش کاهش یا درمان پرخاشگری :

پژوهش ها نشان داده است روش های متعددی برای درمان مشکلات هیجانی و رفتاری به ویژه پرخاشگری وجود دارد. فروید معتقد است که پالایش می تواند خشم افراد را برای مدت زمان کوتاهی کاهش دهد.

همچنین بر مبنای نظریه رفتارگرایی، والدین و مربیان می توانند از طریق شناخت تقویت کننده ها سپس حذف آنها پرخاشگری را کاهش دهند.

تقویت برخی از هیجانها و احساس ها و رفتارهای ناهمساز با خشم و پرخاشگری نیز یکی از روشهای کنترل پرخاشگری است. به عنوان مثال شخص را وادار کنیم تا لبخند بزند.

راهبرد دیگر، ایجاد وقفه است که در آن بزرگسال، فرد پرخاشگر را از شرایط تقویت کننده پرخاشگری جدا می کند. (برای مثال فرستادن به اتاق دیگر تا زمانی که به طور مناسبی رفتار کند.)

پاترسون به نقل از شفر، یکی دیگر از روش های کنترل پرخاشگری را آموزش والدین کودکان پرخاشگر می داند. هارتاپ به نقل از چالموز و تاونسند معتقد است که مهارت های اجتماعی مؤثر می تواند تکانه های پرخاشگری را کنترل کند. نظریه های معاصر نیز حاکی از آن است که بین رفتار نوع دوستانه، درک دیدگاه و همدلی رابطه وجود دارد.

درک دیدگاه دیگران بر افزایش توانایی حل مسایل بین فردی و کاهش پرخاشگری جوانان بزهکار مفید بوده است. اغلب کودکان برای رسیدن به اهداف خود از راه حلهای مطلوب اجتماعی بهره می گیرند. در حالی که کودکان پرخاشگر در تعامل با همسالانشان کمتر از شیوه های جامعه پسندانه استفاده می کنند.

دانش آموزان پرخاشگر ممکن است راهنمایی های اجتماعی را اشتباه تفسیر کنند و تمایلهای خشونت آمیز را بویژه طی دوره فشار روانی به دیگران نسبت دهند. کمبود مهارت های اجتماعی در این دانش آموزان اغلب به کنترل ضعیف تکانه ها، تحمل اندک ناکامی، توانایی محدود برای تعمیم پاسخ های متناوب، فشار روانی و بینش ضعیف نسبت به احساس های خود و دیگران مربوط می شود.

بنابراین آموزش اجتماعی کردن می تواند در کاهش رفتارهای پر خاشگرنه مؤثر باشد . چگونگی اندیشه ما در برابر شرایط نیز می تواند بر نوع عملکردمان تأثیر بگذارد . به همین دلیل یکی از روش های مدیریت پر خاشگری ، آموزش استنباط صحیح و واقع بینانه از انگیزه رفتارهای مبهم است .

کاهش پر خاشگری و پیشگیری از آسیب های ناشی از آن از اهمیت خاصی برخوردار است ، بویژه اگر برای کاهش پر خاشگری از آن دسته از روشهای درمانی مانند نقاشی استفاده شود که برای تمام خانواده ها قابل دسترسی باشد .

پس چنانچه بپذیریم برخی از مسایل کودکان با مشکلات عاطفی و رفتاری ناشی از ضعف

آگاهی

و عدم استفاده از مهارتهای اجتماعی ، الگوی کلامی صحیح ، رفتارهای جامعه پسندانه ، مهارت های ارتباطی و دوست یابی ، مسئولیت پذیری رفتارها و... باشد ، پس آموزش این مهارتها به این کودکان ممکن است تاحدی از بروز این مشکلات پیشگیری کند . ارائه این راهبردها به طور غیر مستقیم به این گروه کودکان می تواند مؤثر باشد .

نتیجه گیری

نقاشی و تأثیر آن در کاهش پر خاشگری

با توجه به مواردی که در مورد نقاشی و اهمیت آن توضیح داده شد ، می توان از نقاشی برای رفع بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی کودکان و کاهش قابل ملاحظه بسیاری از رفتارهای ناسازگارانه و نابهنجار استفاده کرد .

یکی از این رفتارهای نابهنجار پر خاشگری است که مسلماً ریشه در عواطف ، روحیات و احساسات کودک دارد . نقاشی یکی از روشهای بسیار مفیدی است که می تواند ما را در کاهش این رفتار کمک کند .

راهبردهای غیر مستقیم برای کاهش پر خاشگری

۱. انجام نقاشی گروهی : نقاشی گروهی روی یک سطح می تواند باعث دوری از تفاوت های فردی شده و راهی باشد که گروه بتواند با احساسات مشترک ، هم در سطح هوشیار و هم ناهشیار ، درباره ی یک موضوع مشترک کار کند . همچنین در نقاشی گروهی ، افرادی را که همانند خود هستند می بینند و به این ترتیب فضای محیطی آنان آرام تر و پذیرا تر می شود.

کودک پر خاشگر چون اعتماد به نفس پایین دارد ، نقاشی گروهی باعث می شود وی به ارزش خود پی برده و در جمع دوستان مورد توجه قرار گرفته و می تواند حرفی برای گفتن داشته باشد . همچنین در نقاشی کشیدن های گروهی ، کودک پر خاشگر دیگر مجبور نیست باریک بینی ها و تحقیرهای دیگران را تحمل کند و مشکل آنان به رویشان آورده نمی شود . و در چنین فضایی او می تواند خود را ابراز کند و عزت نفس خود را افزایش دهد . با بالا رفتن عزت نفس کودک پر خاشگر می تواند به گونه ای خلاق با مشکلات کنار بیاید . در همین نقاشی های گروهی کودک ، با سلیقه ، عقاید و رفتارهای دانش آموزان دیگر آشنا می شود و می تواند بسیاری

از رفتارهای مطلوب دیگران را یاد بگیرد. از آنجا که دانش آموزان پرخاشگر بعلت همین رفتار بد، کمتر مورد توجه دیگران است و معمولاً از جمع و گروه طرد می شود، از طریق نقاشی گروهی می تواند بسیاری از روابط اجتماعی را یاد بگیرد و هنگامی که به لذت در جمع بودن پی ببرد، در کاهش رفتار نامطلوب خود تلاش بیشتری می کند.

۲. ابراز خشم بالحن آرام: کودک پرخاشگر با استفاده از نقاشی و رنگ آمیزی می تواند خشم و نفرت و احساسات خود را نسبت به معلم و والدین و همسالانش برون فکنی کند. برای مثال ممکن است با خط خطی کردن تصویری که او را عصبانی کرده آن را خراب کند و حتی می تواند با پاره کردن و درو انداختن آن، به کلی آن را از بین ببرد.

بنابراین یک معلم خوب باید دانش آموزان را به کشیدن نقاشی تشویق کند و رنگها و تمام وسایل لازم برای نقاشی را در اختیار آنها قرار دهد.

موضوع نقاشی را آزاد بگذارد تا دانش آموزان با انتخاب موضوع دلخواه، به بیان خواسته ها، آرزوها و احساسات خود بپردازند. همین تشویق کودک به کشیدن نقاشی باعث می شود تا کودک پرخاشگر کمتر از موارد دیگری مانند آزار و اذیت دوستان، دعوا کردن با دیگران و ... برای کاهش پرخاشگری خود و صرف انرژی فعالانه خود استفاده کند.

معلم همچنین باید در پایان نقاشی کودک از وی بخواهد تا نقاشی خود را تعبیر و تفسیر کند و علت کشیدن اشکال مختلف، اشخاص و بکاربردن رنگهای مختلف را در آنها جویا شود. کودک را واردا کند آنچه را که باعث عصبانی شدن یا پرخاشگری او شده را بیان کند و از این طریق معلم هم می تواند عواملی را که باعث پرخاشگری او شده راجستجو کند و هم به حل آن مسایل از طریق رسیدگی به عوامل آن بپردازد. مثلاً ممکن است پرخاشگری دانش آموز از خانواده او نشأت گرفته باشد یا عواملی مانند تحقیر شدن توسط همکلاسی ها یا خود کم بینی، عدم اعتماد به نفس، کمبود مهر و محبت از خانواده، معلم و به طور کلی اطرافیان، فقر و تنگ دستی و... باعث پرخاشگری دانش آموز شده باشد که موطئنا این مسایل در نقاشی کودکان خود را نمایان می سازد. لذا یک معلم و مربی کارآزموده از این طریق می تواند راههای مختلفی را در پیش بگیرد تا مشکلات دانش آموز حل شده و در نتیجه به کاهش پرخاشگری او منجر شود. استفاده از کلاس های آموزش خانواده و ارتباط مستمر خانواده و مدرسه، تلاشهای مشابه و کمک های خود معلم می تواند در این راه مؤثر باشد.

می توانیم کودک را بعد از کشیدن نقاشی اش یاری کنیم تا آنچه را که کشیده مانند قصه یا داستان تعریف کند و بایان آنچه که کشیده رفتارهای مطلوب را تقویت و رفتارهای نامطلوب او را کاهش دهیم بنحوی که به جای سرزنش ها و اوامر مستقیم به دانش آموز، از طریق نقاشی او این رفتارها را در او ایجاد یا کم کنیم. دانش آموز پرخاشگر معمولاً در این زمان به آرامش بیشتری رسیده و به این نتیجه می رسد که برای هر مسئله ای راه حلی وجود دارد، می توان بعضی از رفتارهای بد دیگران را نادیده گرفت و یا هر رفتاری که دیگران انجام می دهند بدنیست و نباید دیدمنفی نسبت به دیگران داشته باشد و یا در مورد خانواده او وظایفی که او در برابر خانواده اش دارد در واقع این روش، راه حل بسیار مناسبی است.

در آخر باید بگویم که معلم و اطرافیان در حین به کار بردن روشهای بالا برای کاهش پرخاشگری بسیار دقت کرده و از تشویق بسیار استفاده کنند.

پیشنهادهای

۱. معلمان به زنگ نقاشی اهمیت داده و از آن به نفع دانش آموز استفاده کنند .
۲. برای کشیدن نقاشی ، وسایل مختلف مانند : مداد ، مداد رنگی ، ماژیک ، پاستل ، آبرنگ و ... را در اختیار کودکان قرار دهند .
۳. در جلسه اول روش کار با هریک از مواد را به بچه آموزش دهند و کودک را در انتخاب وسیله ی مناسب برای رنگ آمیزی آزاد بگذارند .
۴. موضوع نقاشی آزاد باشد تا هر یک از بچه ها بتوانند با انتخاب موضوع دلخواه ، به بیان آرزوها و خواسته های خود بپردازند .
۵. در پایان هر جلسه از بچه بخواهند در مورد داستان نقاشی خود توضیح دهند . و در صورت لزوم ، زمانی که کودک به نکته ای در مورد احساساتش اشاره می کند با جمله هایی به وی پس خوراند داده و او را ترغیب کنند تا در مورد آن بیشتر توضیح دهد تا بدین ترتیب علت پرخاشگری او را جویا شوند .
۶. بهتر است از نقاشی گروهی استفاده کنند و گروههای که انتخاب می کنند بین ۴ تا ۶ نفر بوده و تفاوت سنی کودکان در هر گروه زیاد نباشد و تفاوت های فردی را در نظر بگیرند .
۷. جلساتی را با والدین کودکان پرخاشگر برگزار کنند و از آنها بخواهند تا وسایل نقاشی را در اختیار کودک خود قرار دهند تا احساسات و هیجانات خود را در نقاشی نشان دهند و کمتر از راههای منفی دیگر برای ابراز خشم خود استفاده کنند.

موفق و پیروز باشید